

معرفت شناسی طبیعی شده

مجموعه مقالات

ترجمه

حسین شقاقی



نشرکردن

فهرست

- مقدمه مترجم ----- ۱
۱. معرفت‌شناسی طبیعی‌شده / نوآلموس ----- ۱۵
۲. معرفت‌شناسی طبیعی‌گرایانه / کلمنس کاپل ----- ۴۵
۳. معرفت‌شناسی طبیعی‌شده / ویلارد کواین ----- ۷۷
۴. ابعاد معرفت‌شناسی طبیعی‌شده کواین / رابرت فوگلین ----- ۱۰۷
۵. «معرفت‌شناسی طبیعی‌شده» چیست؟ / جیگون کیم ----- ۱۵۳
۶. فراتر از میناگرایی و انسجام‌گرایی / هیلاری کورنبلیث ----- ۱۹۱
۷. مدعای پلنتینگا علیه معرفت‌شناسی طبیعی‌گرا / اَوْن فِلس ----- ۲۱۷

نوآلموس

معرفت‌شناسی طبیعی شده

پاسخ به این پرسش که معرفت‌شناسی طبیعی شده چیست، دشوار است، زیرا روایت‌های آن بسیار متنوع‌اند. این روایت‌های متنوع، دربارهٔ نسبت‌های بین علوم طبیعی و معرفت‌شناسی سنتی دیدگاه‌های متفاوتی دارند. براساس افراطی‌ترین روایت، باید معرفت‌شناسی سنتی را رها کرد، یا دست‌کم باید یکی از علوم تجربی، مثلاً روان‌شناسی، به جای معرفت‌شناسی سنتی بنشینند. روایت‌های کمتر افراطی، رها کردن معرفت‌شناسی سنتی را لازم نمی‌بینند، بلکه مدعی‌اند بسیاری از مسائل و معضلات پیش روی معرفت‌شناسی سنتی را می‌توان به واسطهٔ علوم تجربی - به‌ویژه روان‌شناسی - حل و فصل کرد. حامیان معرفت‌شناسی طبیعی شده، به‌طور کلی، بر اهمیت علوم طبیعی در پژوهش معرفت‌شناختی تأکید می‌کنند. در اینجا، بعضی از دعاوی و استدلال‌های حامیان معرفت‌شناسی طبیعی شده را بررسی خواهیم کرد.

کواین و آموزهٔ جایگزینی

یکی از نخستین دفاعیه‌ها از معرفت‌شناسی طبیعی شده در مقالهٔ

«معرفت‌شناسی طبیعی‌شده» کواین ارائه شده است. او سعی دارد این ادعا را مستدل کند که برنامه معرفت‌شناختی دکارتی، که طبق آن می‌توان گزاره‌های صادق ناظر به جهان خارج را از معرفت خطاناپذیر ما به حالت‌های ذهنی‌مان استنتاج کرد، بی‌راهه است و تلاش‌ها برای توجیه یا ارائه یک بازسازی عقلانی از باورهایمان به این شیوه، محکوم به شکست است. اگر معرفت چنین توجیهی^۱ را اقتضا کند، پس شکاکیت اجتناب‌ناپذیر است. کواین شکست برنامه سنتی معرفت‌شناختی دکارتی را نشان می‌دهد و سپس به نظر می‌رسد توصیه می‌کند معرفت‌شناسی را به نفع روان‌شناسی رها کنیم:

برانگیختگی گیرنده‌های حسی هر انسان همه آن شواهدی^۲ است که او برای ساخت تصویر خود از جهان در اختیار دارد. پس چرا نباید دقیقاً نگاه کنیم که این ساخت واقعاً چگونه صورت می‌گیرد؟ چرا به روان‌شناسی رضایت ندهیم؟^۳

برنامه سنتی معرفت‌شناسی دکارتی بر این مسئله متمرکز است که تجربه‌های حسی ما چگونه باورها درباره جهان خارج را توجیه می‌کنند. اما از آنجا که این برنامه شکست خورده است، به نظر می‌رسد کواین توصیه می‌کند به جای آن مسئله، بر این متمرکز شویم که باورهایمان را چگونه حاصل می‌کنیم. مثلاً او توصیه می‌کند بر آن دسته از فرایندهای روان‌شناختی متمرکز شویم که ما را از تحریک‌های حسی‌مان به سمت باورهایی درباره جهان خارج هدایت می‌کنند. به جای تمرکز بر توجیه باورهایمان، بر جست‌وجوی تبیینی علمی از چگونگی حصول این باورها متمرکز شویم. به جای اینکه دلمشغول شأن هنجاری^۴ یا ناظر به ارزیابی^۵ باورها باشیم،

1. justification

2. evidences

3. W. V. Quine, "Epistemology Naturalized," *Ontological Relativity and Other Essays* (New York: Columbia University Press, 1969), p. 75.

4. normative

5. evaluative

به پژوهشی توصیفی^۱ بپردازیم درباره فرایندهای روان‌شناختی‌ای که این باورها را ایجاد کرده‌اند. کواین با عبارت‌های ذیل، این دیدگاه را شرح و بسط می‌دهد:

اما به نظر من، اکنون بهتر است بگوییم معرفت‌شناسی هنوز ادامه دارد، ولو در موقعیتی جدید و در وضعی پالوده‌شده. معرفت‌شناسی، یا چیزی شبیه به آن، صرفاً در مقام فصلی از روان‌شناسی و بنابراین، فصلی از علم طبیعی به حیات خود ادامه می‌دهد. موضوع مطالعه معرفت‌شناسی پدیده‌ای طبیعی است، یعنی انسان به مثابه فاعل فیزیکی عمل شناخت. مجموعه‌ای درون‌داد که از حیث تجربی کنترل شده‌اند به این فاعل شناخت بشری وارد می‌شود - مثلاً مجموعه‌ای از الگوهای تشعشع با فرکانس‌های متنوع - و این فاعل شناخت در زمان مناسب برون‌دادی از خود عرضه می‌کند، مثلاً توصیفی از جهان سه‌بعدی خارج و تاریخچه آن. مطالعه نسبت درون‌داد نحیف و برون‌داد فربه به همان خاطر مورد مطالعه ما قرار می‌گیرد که همیشه انگیزه پرداختن به معرفت‌شناسی بوده است؛ یعنی به خاطر اینکه بفهمیم چگونه شواهد به نظریه مرتبط می‌شود و چگونه محتوا و دعاوی نظریه ما در باب طبیعت از همه شواهد در دسترس فراتر می‌رود.^۲

براساس طرح کواین، «معرفت‌شناسی در وضع و موقعیت جدید، به‌عنوان فصلی از روان‌شناسی، در علم طبیعی می‌گنجد»^۳. این دیدگاه که معرفت‌شناسی سنتی باید جای خود را به علوم طبیعی یا، به‌طور خاص‌تر، روان‌شناسی بدهد، گاه «آموزه جایگزینی»^۴ نامیده می‌شود.

تعداد فیلسوفانی که از آموزه جایگزینی استقبال کرده‌اند، زیاد نیست. چراکه اولاً، بر فرض که مبنای کلاسیک کاذب باشد، چرا باید از این فرض به این نتیجه برسیم که معرفت‌شناسی سنتی هنجاری، که بر

1. descriptive

2. Ibid., pp. 82-83.

3. Ibid., p. 83.

4. the replacement thesis